



دانشگاه
خبرگزاری بین‌المللی
ایران



مَدِیْطَر

سطر سطر زندگی با آیه‌ها



مسابقه شماره ۲ / چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

سطر دوم

دو بال ایمان و عمل

جزء ۲

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ
يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

بقرہ، آیہ ۲۱۸

● دلت پاک باشد، چرا این همه زحمت؟!



كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ
قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدْعٌ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ
الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ
اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ
فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنْ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ
رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ
وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِشْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِشْمُهُمَا
أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾



مفاتيح



قرآن تحقیق



﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ قطعاً آن کسانی که ایمان آوردند؛ [یعنی ایمان قلبی و باطنی آوردند و به خدا در هر شرایطی اعتماد کرده و باورشان را حفظ کردند] ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا﴾ و آن کسانی که هجرت کردند؛ [یعنی ایمانشان صرفاً یک اعتقاد قلبی نبود، بلکه به عمل تبدیل شد] ﴿وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ﴾ [و در یک کلام،] آن مؤمنانی که اهل مبارزه خستگی ناپذیر در راه خدا باشند؛ ﴿أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ آن مؤمنان، باید انتظار رحمت ازسوی خدای متعال را داشته باشند؛ همان خدایی که بسیار آمرزنده و مهربان است. [رحمت خدا نصیب کسانی می‌شود که علاوه بر ادعای ایمان قلبی، اهل عمل بر اساس ایمانشان هم باشند.]





عطر را بر تن بزن، بر جان بمال
خوش‌رایحه‌ترین عطر، درون شیشه و در جیب بغل باشد، چه
فایده؟! چه حاصل؟! عطر را باید به تن زد و به جامه؛ یعنی باید
یک ظهور و بروز و نمود و نمایشی داشته باشد، تا هم خود نصیبی
برده و هم دیگران بهره‌ای ببرند.

و ایمان، دقیقاً شبیه به همان عطر دل‌انگیز و دل‌آویز است؛
پس اگر تنها گوشه‌ی دل باشد، هیچ قدر و قرب و قیمتی ندارد. ایمان
باید نه تنها در ذهن و ضمیر تو، بلکه باید در زندگی تو، ساری، جاری،
پیدا و پدیدار باشد. از جمله نموده‌های ایمان هم، کوچ کردن است یا
به تعبیر قرآن کریم هجرت.

هجرت یا کوچ هم، الزاماً از شهری به شهری رفتن نیست، بلکه
گاه باید از شغلی به شغلی کوچ کرد، اگر به پاکی و پاکدامنی
انسان آسیب می‌زند. گاهی باید از کنار رفیقی کوچ کرد، اگر رشدی
برای آدمی به همراه نداشته باشد. و گاهی از کانالی به کانالی، از
صفحه‌ای به صفحه‌ای، از فکری به فکری، از خیالی به خیالی و از
کتابی به کتابی. این‌ها، همه از نموده‌های کوچ و یا هجرت است که
خود از نشانه‌های ایمان به شمار می‌آید.





مسئله این است که ایمان برطبق فرهنگِ غیر قابل تردید قرآن، صرفاً یک امر قلبی نیست. درست است که ایمان یعنی باور، و باور مربوط است به دل، اما قرآن هر باوری را، هر ایمان و قبول و پذیرشی را به رسمیت نمی‌شناسد. ایمانِ مجرد، ایمانِ قلبی خشک و خالی، ایمانی که در جوارح و اعضای مؤمن شعا‌عش مشهود نیست، این ایمان از نظر اسلام ارزشمند نیست.

اول مؤمن به خدا، شیطان است. ابلیس پیش از آنکه بندگان پرمرد‌عای پروردگار و فرزندان پُرناز و افادۀ آدم به این سرزمین خاکی بیایند، سالیانی خدای متعال را عبادت می‌کرد و دلش کانون معرفت خدا بود؛ اما در آن بزنگاه، در آنجایی که ایمان‌ها همه آنجا به‌کار می‌آیند، یعنی در هنگام انتخاب، در هنگام تعیین راه‌نهایی، این ایمان به کار ابلیس نیامد. این ایمان در همان دل ماند.^۱

اگر فقط تصدیق و پذیرش در صدق کلمۀ ایمان کافی بود، من می‌گویم اول مؤمن به پیغمبر، ابولهب بود!^۲ من می‌گویم اگر او مؤمن نیست، به دلیل اینکه این ایمانش، این قبولش، این تصدیقش با تعهدهای متناسب همراه نبوده، آیا ما مؤمنیم؟ درحالی‌که تصدیق ما هم با تعهدهای متناسب همراه نیست.^۳

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۴، ص ۱۱۲.

۲. همان، جلسه ۴، ص ۱۱۵.

۳. همان، جلسه ۴، ص ۱۱۶.



سالیانی است، و سالیان دراز، روی مغزها دارند کار می‌کنند تا بگویند اسلام منهای عمل، ایمان بدون عمل، در دل محبت و ایمان و باور و نه در عمل، حرکت و تلاش و اثر، سال‌هاست به ما این را می‌خواهند بیاورانند، و قرآن همچنان ندایش بلند و زنده و شاداب است که ﴿...وَمَا أَوْلِيكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾^۱، آن کسانی که این کارها را ندارند، مؤمن نیستند، ایمان ندارند.^۲

[هجرت هم یک نمونه عالی عمل بر اساس ایمان است.]
هجرت کردن یعنی چه؟ یعنی از مشهد رفتند تهران مثلاً مانند؟ از شهری به شهری مهاجرت کردند و بس؟! نه، اولاً هجرت کردن به معنای یک‌باره از همه چیز دست‌شستن به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی، به خاطر قبول تعهد در مجموعه تشکیلات جامعه اسلامی محسوب می‌شود.^۳



با صدای استاد سیدعلی خامنه‌ای بشنوید.

۱. سوره نور، آیه ۴۷.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۴، ص ۱۲۲.

۳. همان، جلسه ۴، ص ۱۲۸.